

خبر N E W S

### فقر گسترده کودکان در بریتانیا

جدیدترین گزارش دفتر کمیسیونر کودکان انگلستان، پرده از واقعیتی تلخ و دردناک برمی‌دارد: نزدیک به یک‌سوم کودکان در بریتانیا زیر خط فقر زندگی می‌کنند و شرایط برخی از آن‌ها آن‌قدر وخیم است که ناظران از «بازگشت به دوران چارلز دیکنس» سخن می‌گویند. گزارش تأکید می‌کند که فقر کودکان در بریتانیا نه یک استثنا، بلکه بخشی از واقعیت زندگی میلیون‌ها خانواده است؛ خانواده‌هایی که توان تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای فرزندانشان را ندارند.

راشل د سوزا، کمیسیونر کودکان که مسئول تهیه این گزارش است، می‌گوید: «با اینکه در یکی از ثروتمندترین جوامع جهان زندگی می‌کنیم، بسیاری از کودکان ما در خانه‌هایی کبک‌زده، سرد، شلوغ و نایمن بزرگ می‌شوند. کودکانی هستند که غذایی برای خوردن ندارند و خانه‌شان پر از سوسک یا موش است. بعضی از آن‌ها حمام خصوصی یا تخت خواب ندارند و حتی نمی‌توانند دوستشان را به خانه دعوت کنند.»

بر اساس آمار رسمی، تا آوریل ۲۰۲۴ حدود ۴.۵ میلیون کودک در بریتانیا، معادل ۳۱ درصد از کل جمعیت کودک کشور، در خانواده‌هایی با درآمد کمتر از ۶۰ درصد میانگین ملی زندگی می‌کردند. از این میان، حدود یک میلیون کودک در فقر مطلق به سر می‌بردند؛ یعنی خانواده‌هایشان حتی قادر به تأمین غذا، گرمایش یا پوشاک کافی نبودند. کارشناسان هشدار می‌دهند که این شرایط، اثرات بلندمدتی بر رشد، سلامت روان و آینده آموزشی کودکان خواهد گذاشت.

دفتر کمیسیونر کودکان، با ۱۳۰ کودک در مناطق مختلف انگلستان مصاحبه کرده است. کودکان، روایت‌هایی تکان‌دهنده از زندگی روزمره خود ارائه داده‌اند؛ از پیاده‌روی‌های طولانی برای رسیدن به مدرسه گرفته تا انتخاب بین یک وعده غذا یا استفاده از یخاری. بسیاری از آن‌ها از خانه‌هایی نمور با دیوارهای خیس، بوی کپک و بدون فضای مناسب برای انجام تکالیف صحبت کرده‌اند. برای برخی از این کودکان، غذاهای ساده‌ای مانند بیکن یا شیر گرم، کالایی لوکس تلقی می‌شود. یکی دیگر از یافته‌های نگران‌کننده گزارش، آگاهی غیرمعمول کودکان از مشکلات مالی خانواده است. د سوزا می‌گوید: «کودکان می‌دانند که والدینشان پولی برای پرداخت قبض‌ها یا خرید لباس ندارند. برخی از آن‌ها حتی مسئولیت مراقبت از خواهر و برادرهای کوچک‌تر را به دوش می‌کشند؛ چون پدر و مادر در چند شغل هم‌زمان کار می‌کنند و بازهم دخل‌شان به خرج نمی‌رسد.»

در واکنش به این وضعیت، سازمان‌های مدافع حقوق کودک خواستار لغو قانون محدودکننده مزایای فرزند دوم شده‌اند؛ قانونی که از سال ۲۰۱۷ اجرا می‌شود و در اغلب موارد، کمک‌هزینه دولتی را به دو فرزند اول محدود می‌کند. گزارش‌ها نشان می‌دهد این قانون روزانه ۱۰۹ کودک دیگر را به زیر خط فقر می‌کشانند. فعالان همچنین خواهان افزایش مزایای کودک متناسب با نرخ تورم، ارائه حمل‌ونقل رایگان برای دانش‌آموزان، و سرمایه‌گذاری فوری در مسکن و تغذیه سالم برای کودکان شده‌اند.

راشل والترز، مدیر برنامه پایان فقر کودک، گفت: «یافته‌های این گزارش تکان‌دهنده‌اند. ولی متأسفانه برای ما که با فقیرترین خانواده‌ها کار می‌کنیم، دیگر تعجب‌برانگیز نیستند. این بحران به جایی رسیده که باید آن را مسئله‌ای ملی دانست. ادامه این وضعیت، عواقبی اجتماعی و انسانی دارد که دهه‌ها گریبان‌گیر بریتانیا خواهد شد.»

در دنیایی که هر سال بیش از ۲.۳ میلیون نفر در اثر حوادث شغلی جان خود را از دست می‌دهند، چشم‌امید به ربات‌ها شاید عجیب به نظر برسد. اما پژوهش تازه‌ای در اروپا نشان می‌دهد اگر فناوری درست به کار گرفته شود، می‌تواند مرگ را متوقف کند. نکته اما اینجااست: تنها در جوامعی که علم، قانون و کار جمعی دست به دست هم می‌دهند، ربات‌ها واقعاً جان انسان‌ها را نجات می‌دهند، اما در سایر نقاط نه‌چندان.

در سال ۲۰۲۲، تنها در اتحادیه اروپا، نزدیک به سه میلیون حادثه شغلی به ثبت رسید که ۳۳۸۶ مورد آن مرگبار بود. این رقم‌ها اگرچه سردند، اما پشت هر عدد، زندگی انسانی نشسته که زیر یک دستگاه له شده یا از ارتفاع سقوط کرده است. این در حالی است که سازمان جهانی کار هزینه اقتصادی ناشی از حوادث شغلی را سالانه حدود چهار درصد از تولید ناخالص داخلی جهان برآورد می‌کند؛ عددی که هم برای اقتصادهای در حال توسعه و هم برای کشورهای ثروتمند چشمگیر است.

اما راه‌حل چیست؟ این پرسشی است که پژوهشگران اروپایی در یک مطالعه جدید سعی کرده‌اند با نگاهی به اثر ربات‌ها در محیط‌های کاری به آن پاسخ دهند. پژوهش، داده‌های ۱۸ کشور اروپایی از بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹ بررسی کرده است؛ از آلمان، فرانسه و سوئد گرفته تا مجارستان، اسلواکی و لیتوانی. هدف مشخص بوده: بینیم افزایش رباتیزه شدن صنایع، چه اثری بر نرخ آسیب‌های شغلی و مرگ‌ومیر دارد.

#### وقتی اتوماسیون جان می‌خرد

یافته‌ها روشن‌اند. هم‌زمان با افزایش ورود فناوری رباتیک، میزان آسیب‌های شغلی در بسیاری از کشورها کاهش یافته است. در کشورهایی که صنایع از سطح فناوری بالاتری برخوردارند و روابط صنعتی (مثل حضور اتحادیه‌ها و چانه‌زنی جمعی) قوی است، نه تنها نرخ مرگ‌ومیر کاهش یافته، بلکه آسیب‌های شغلی نیز روند نزولی داشته‌اند.

این کاهش تصادفی نیست. ربات‌ها در بسیاری از موارد، وظایف پرخطر را از دوش انسان‌ها برداشته‌اند؛ کار در ارتفاع، تماس با مواد سمی، حمل اجسام سنگین یا کار با ماشین‌آلات سنگین و سریع. فناوری نه‌تنها این وظایف را دقیق‌تر انجام می‌دهد، بلکه در مواردی که ایمنی اولویت داده شده، بازطراحی فرایندها و آموزش کارکنان نیز در دستور کار قرار گرفته؛ اما همه جا این‌طور نیست.



مریم حسینی روزنامه نگار

# هوش مصنوعی و واقعیت نابرابر ایمنی

مطالعه‌ای در اروپا نشان می‌دهد کاهش مرگ و آسیب شغلی با ربات‌ها، تنها در صنایع نوآور و کشورهای دارای روابط صنعتی قوی محقق شده است



آنکه الزامی به تغییر سازوکار کلی کار باشد.

به بیان دیگر، اتوماسیون در خلأ رخ نمی‌دهد. شرایط ایمنی محل کار بوده‌اند، وضعیت در شرق اروپا پیچیده‌تر است. در کشورهایی مانند اسلواکی، جمهوری چک، لیتوانی و مجارستان، نرخ مرگ‌ومیر شغلی همچنان بالاست، حتی با وجود پیشرفت‌های فنی؛ دلیل؟ همان چیزی است که اقتصاددانان «قدرت نهادی» می‌نامند. یعنی قدرت چانه‌زنی اتحادیه‌ها، سطح پوشش بیمه بیکاری، قانونمندی قراردادهای کاری و قابلیت گزارش دهی حوادث. در غیاب این‌ها، فناوری به جای آنکه ابزاری برای ایمنی باشد، به ابزاری برای فشار بیشتر بر نیروی کار تبدیل می‌شود.

در چنین اقتصادهایی، ربات‌ها به افزایش سرعت خط تولید کمک می‌کنند، بدون آنکه فکری به حال آموزش نیروی انسانی یا بهبود شرایط ارگونومیک محیط کار شده باشد. نتیجه؟ نیروی کار خسته‌تر، فشار مضاعف و در نهایت آسیب‌های بیشتر.

#### همه ربات‌ها یکسان نیستند

مطالعه مورد بحث، میان دو دسته صنایع تفاوت قائل می‌شود: صنایع با فناوری بالا و صنایع کم‌فناوری. در دسته اول، ربات‌ها بیشتر نقش جایگزین ایفا می‌کنند؛ یعنی انسان از موقعیت خطرناک کنار می‌رود و ربات وارد می‌شود.

اما در دسته دوم، همان تعداد محدود ربات نیز معمولاً برای بالا بردن بهره‌وری یا کاهش هزینه‌ها استفاده می‌شود؛ بدون

بیکاری – در بسیاری از موارد گمراه‌کننده است. فراتحلیل‌های جدید نشان می‌دهد که بهره‌گیری از ربات‌ها در کل تأثیر قابل توجهی بر سطح اشتغال ندارد. اما آنچه تهدید واقعی محسوب می‌شود، تضعیف ساختارهای حمایتی از کارگران است: تضعیف اتحادیه‌ها، قراردادهای موقت، کاهش پوشش بیمه‌ای و نبود استانداردهای ایمنی. ایمنی محل کار، فقط به دستگاه بستگی ندارد؛ بلکه به مدل اقتصادی و اجتماعی‌ای که آن دستگاه در آن قرار می‌گیرد بستگی دارد. وقتی ربات‌ها بدون نظارت و بدون مشارکت کارگران مستقر می‌شوند، ممکن است خطرات جدیدی خلق کنند. اما اگر همین ربات‌ها همراه با آموزش، ارزیابی ریسک، سرمایه‌گذاری در بهداشت حرفه‌ای و مشارکت اتحادیه‌ها وارد شوند، می‌توانند به خط اول دفاع از جان کارگر تبدیل شوند.

#### فناوری تنها کافی نیست

مسئله اینجااست که ربات‌ها به خودی خود خوب یا بد نیستند. آنچه سرنوشت آن‌ها را در محیط کار تعیین می‌کند، سیاست‌هایی است که در کنارشان می‌آید. اگر سیاست‌گذاران به اتوماسیون به‌عنوان ابزاری برای رشد بهره‌وری و کاهش مرگ‌ومیر نگاه کنند، باید هم‌زمان به فکر تقویت روابط صنعتی، آموزش مستمر و نظارت‌های ایمنی هم باشند. در غیر این صورت، اتوماسیون به یک شمشیر دولبه تبدیل می‌شود که هم می‌تواند زندگی نجات دهد، هم آن را به خطر بیندازد.

تجربه کشورهایی مانند دانمارک و بلژیک نشان می‌دهد ربات‌ها در چارچوب نهادی قوی، بیشتر از آنکه نیروی کار را تهدید کنند، به او کمک می‌کنند. اما در نبود این چارچوب، ممکن است حتی بهترین فناوری‌ها نیز نتوانند مانع از مرگ یک کارگر ساده در خط تولید شوند.

پژوهش اروپایی روشن می‌کند که تأثیر ربات‌ها بر ایمنی محیط کار وابسته به کیفیت اجرای آن‌هاست؛ نه صرف حضورشان. از آن روشن‌تر، این پیام است که برای بهره‌مندی از فواید فناوری، نمی‌توان از نقش نهادهای کارگری، سیاست‌های اجتماعی و ارزش‌گذاری بر جان انسان‌ها غافل شد.

اتوماسیون می‌تواند نجات‌بخش باشد، اما تنها اگر جوامع نخواهند به بهای جان ارزان‌تر، سرعت بیشتر بخرند. ربات‌ها می‌توانند سپر بالای انسان باشند، اگر انسان‌ها بخواهند از خودشان محافظت کنند.

منبع: socialeurope.eu

## انقلاب هوش مصنوعی در اشتغال

از خطوط تولید تا خدمات دیجیتال، هوش مصنوعی بازار کار را بازتعریف می‌کند؛ چگونه می‌توان از این تحول برای ایجاد مشاغل جدید بهره برد؟

جهان در حال تغییر است و تأثیر هوش مصنوعی بر اشتغال به زمینه اقتصادی و سیاست‌های محلی بستگی دارد. در کره جنوبی، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و بازآموزی، مشاغل جدیدی ایجاد کرده است. در مقابل، در کشورهایی مانند هند که نیروی کار عمدتاً در مشاغل کم‌مهارت مشغول است، اتوماسیون می‌تواند چالش‌های جدی ایجاد کند. در ایالات متحده، دره سیلیکون شاهد رشد شغلی است، اما ایالت‌های صنعتی با کاهش مشاغل سنتی مواجهند. این تفاوت‌ها نیاز به سیاست‌های منطقه‌ای متناسب را برجسته می‌کند.

#### تعادل در عصر هوش مصنوعی

انقلاب هوش مصنوعی فرصتی بی‌سابقه برای نوآوری و رشد اقتصادی ارائه می‌دهد، اما چالش‌هایی را نیز برای بازار کار به همراه دارد. تمرکز بر نوآوری محصولی و حمایت از بخش‌های بالادستی می‌تواند موتور اشتغال باشد، در حالی که مکانیزم‌های جبرانی و شبکه‌های ایمنی اجتماعی اثرات منفی نوآوری فرایندی را کاهش می‌دهند. درس‌های گذشته نشان می‌دهد که فناوری به خودی خود نه تهدید است؛ نه ناجی. تأثیر آن نیز به نحوه مدیریت آن بستگی دارد. با سرمایه‌گذاری در آموزش، تقویت رقابت و ایجاد شبکه‌های ایمنی قوی، جوامع می‌توانند اطمینان حاصل کنند که هوش مصنوعی به جای بیکاری، به ایجاد فرصت‌های جدید و بهبود کیفیت زندگی منجر می‌شود. سخن آخر اینکه آینده کار در عصر هوش مصنوعی به توانایی ما برای ایجاد تعادل بین نوآوری و حمایت از نیروی کار بستگی دارد.

بر حمایت از نوآوری محصولی تأکید دارند؛ از طریق سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، مشوق‌های مالیاتی و تقویت استارت‌آپ‌ها. کشورهایی مانند آلمان و سنگاپور با برنامه‌های بازآموزی مهارت‌ها، کارگران را برای اقتصاد مبتنی بر فناوری آماده کرده‌اند. علاوه بر این، تقویت مکانیزم‌های جبرانی مانند کاهش قیمت‌ها و افزایش درآمد از طریق رقابت و رشد اقتصادی ضروری است. شبکه‌های ایمنی اجتماعی، مانند مزایای بیکاری و برنامه‌های بازآموزی نیز برای حمایت از کارگرانی که شغل خود را از دست می‌دهند، حیاتی هستند. مدل «فلکسیکوریتی» دانمارک که انعطاف‌پذیری بازار کار را با حمایت‌های اجتماعی ترکیب می‌کند، نمونه‌ای موفق از مدیریت این تحولات است.

#### چالش‌های بازار و موانع نهادی

با وجود پتانسیل‌های هوش مصنوعی، موانع نهادی و بازار می‌توانند اثربخشی مکانیزم‌های جبرانی را کاهش دهند. در بازارهای با رقابت محدود، کاهش هزینه‌ها ممکن است به سود شرکت‌ها منجر شود؛ نه کاهش قیمت‌ها. در اقتصادهای با نابرابری بالا، منافع رشد فناوری ممکن است به‌طور نابرابر توزیع شود. همچنین کمبود سرمایه‌گذاری در آموزش؛ به‌ویژه در اقتصادهای در حال توسعه، می‌تواند انتقال کارگران به مشاغل جدید را دشوار کند. برای مثال، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، دسترسی محدود به آموزش فناوری پیشرفته، سازگاری با اقتصاد هوش مصنوعی را محدود می‌کند. رفع این موانع نیازمند هماهنگی بین سیاست‌گذاران، صنعت و مؤسسات آموزشی است.

جبرانی مانند کاهش قیمت‌ها و افزایش تقاضای می‌توانند این اثرات منفی را تعدیل کنند. برای مثال، اتوماسیون هزینه‌های تولید را کاهش می‌دهد، که می‌تواند تقاضای مصرف‌کننده را افزایش داده و مشاغل جدیدی ایجاد کند.

#### فرصت‌ها و تهدیدهای هوش مصنوعی

هوش مصنوعی دوگانگی نوآوری را تقویت می‌کند. در بخش‌های بالادستی—مانند شرکت‌های تولیدکننده فناوری‌های هوش مصنوعی—مشاغل تخصصی مانند مهندسی داده و توسعه نرم‌افزار در حال رشد هستند. برای نمونه، انویدیا با افزایش تقاضا برای تراشه‌های هوش مصنوعی، شاهد رونق شغلی بوده است. اما در بخش‌های پایین‌دستی، مانند خرده‌فروشی یا خدمات مشتری، اتوماسیون می‌تواند مشاغل را تهدید کند. مطالعه مؤسسه بروکینگز (۲۰۲۳) تخمین زده که تا ۳۰ درصد مشاغل در اقتصادهای پیشرفته ممکن است در معرض خطر اتوماسیون قرار گیرند. با این حال، اثرات جبرانی می‌توانند این زبان‌ها را کاهش دهند. کاهش هزینه‌های ناشی از اتوماسیون می‌تواند تقاضا را افزایش دهد و مشاغل غیرمستقیمی ایجاد کند. برای مثال، کامیون‌های خودران هزینه‌های لجستیک را کاهش می‌دهند و منابع را برای توسعه محصولات جدید آزاد می‌کنند، که می‌تواند اشتغال را تقویت کند. کلید موفقیت، تعادل بین این فرصت‌ها و تهدیدهاست.

#### سیاست‌گذاری برای آینده کار

برای بهره‌برداری از پتانسیل هوش مصنوعی، سیاست‌گذاری هدفمند ضروری است. ویواری و آرناس